

نقش پیش بینی کننده سبک‌های فرزندپروری و حرمت خود در شادکامی دانشجویان

سولماز دیبری^۱

علی دلاور^۲

غلامرضا صرامی^۳

تاریخ وصول: ۸۹/۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۱۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر، پیش بینی شادکامی بر اساس حرمت خود و سبک‌های فرزندپروری در دانشجویان بود. بدین منظور ۳۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی با روش نمونه گیری خوش‌های تصادفی انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه‌های حرمت خود روزنبرگ، شیوه‌های فرزندپروری بورای (فرم مادر) و پرسشنامه شادکامی آکسفورد بود. برای تعیین و تحلیل رابطه بین متغیرها و پیش بینی تغییرات شادکامی، روش‌های همبستگی و تحلیل رگرسیون گام به گام مورد استفاده قرار گرفت. نتایج نشان داد که سبک فرزندپروری قاطع با حرمت خود و شادکامی رابطه معنادار دارد. بین سبک مستبدانه و شادکامی رابطه منفی معنادار یافت شد. همچنین بین دختران و پسران در نمره شادکامی تفاوت معنی داری مشاهده نشد.

۱- دانشجوی دکترای روان‌شناسی تربیتی دانشگاه تبریز

۲- استاد دانشگاه علامه طباطبائی

۳- دکترای روان‌شناسی تربیتی

آشکار شد که حرمت خود و سبک فرزند پروری مقتدرانه به ترتیب بیشترین سهم را در تبیین شادکامی دارند. در مجموع نتایج حاکی از آن است که حرمت خود و نوع سبک فرزند پروری که والدین به کار می‌برند در شادکامی نقش اساسی و مهمی دارد.

واژگان کلیدی: شادکامی، حرمت خود، سبک‌های فرزند پروری.

مقدمه

از زمان‌های دور بشر به دنبال آرمان‌هایی بوده است که در آن با رضایت زندگی کند و از زندگی خود شاد و خشنود باشد. شادکامی و احساس بهزیستی ذهنی واژه‌هایی هستند که در روان‌شناسی امروز برای بیان این حالت به کار می‌روند. شادکامی^۱ که هدف مشترک افراد است و همه برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند، نتیجه ارزشیابی افراد از خود و زندگی‌شان است (باس^۲، ۲۰۰۰). با توجه به حرکت روان‌شناسی مثبت و تأکید بر افزایش شادکامی باید عوامل مؤثر در شادکامی را مد نظر قرار داد. از جمله این عوامل می‌توان به حرمت خود و سبک‌های فرزند پروری اشاره کرد (فورنهام و چنگ^۳، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰). حرمت خود به عنوان یکی از منابع روان‌شناختی تأثیرگذار بر شادکامی، برنحوه ارزشیابی شخص از خود و اندازه‌گیری احساس وی از خود ارزشی‌اش در مقایسه با اینکه چگونه است و آرزو دارد چگونه باشد، دلالت دارد. ارزیابی مثبت از خود که در قالب حرمت خود بیان می‌شود برای بهزیستی ذهنی مثبت و ضروری است و به عنوان یکی سپر و محافظ در مقابل ناسازگاری روان‌شناختی عمل می‌کند و باعث ارزیابی مثبت فرد از زندگی می‌شود (چا^۴، ۲۰۰۳؛ زانگ^۵، ۲۰۰۵).

1. happiness

2. Buss

3. Furnham & Cheng

4. Cha

5. Zhang

حرمت خود در تمامی فعالیت‌های روزمره به نوعی جلوه گر بوده و از مهمترین جنبه‌های شخصیت و تعیین کننده ویژگی‌های رفتاری انسان به شمار می‌آید (لارنس^۱ و همکاران، ۲۰۰۶). پژوهش‌ها حاکی از آن است که حرمت خود به عنوان یک عامل روان‌شناختی مهم و اثرگذار بر سلامت و کیفیت زندگی افراد است. با افزایش حرمت خود احساس توانمندی و ارزشمندی در فرد به وجود می‌آید و رضایت، بهزیستی و سلامت را در فرد به دنبال دارد (مان^۲ و همکاران، ۲۰۰۴).

از طرف دیگر خانواده و سبک‌های فرزند پروری پیامدهای مهمی در تحول روانی اجتماعی و طیف وسیعی از رفتارها شامل بهزیستی ذهنی، سلامت و مسائل تحصیلی نوجوانان دارد (شاک اسمیت^۳ و همکاران، ۱۹۹۵، چان و کو^۴، ۲۰۰۹). بامریند^۵ از بعد کنترل والدینی برای مشخص نمودن سه سبک فرزندپروری استفاده کرد. این سبک‌ها عبارتند از: سبک مستبدانه یا سلطه‌گر که شامل قوانین اجباری و سخت و سطوح پایین پذیرش است. سبک مقتدرانه که ترکیبی از کنترل و حمایت و علاقمندی منطقی است و اعمال قوانین ثابت همراه با نشان دادن پذیرش در این دسته از والدین وجود دارد و سبک سهل‌گیرانه که با سطوح پایین کنترل در ارتباط است (سیمونس و کانجر^۶، ۲۰۰۷). هر سبک فرزندپروری به طور جداگانه پیامدهای متفاوتی برای افراد دارد. سبک مقتدرانه، مناسبترین روش فرزند پروری است. افرادی که والدین آنها دارای سبک فرزندپروری مقتدرانه بوده‌اند، به طور کلی پیامدهای شخصی، تحصیلی و اجتماعی هیجانی بهتری نشان داده‌اند (جینس^۷؛ هریس و گودال^۸؛ بوگنتال و گروس^۹، ۲۰۰۶). فرزندان والدین دارای سبک فرزندپروری مقتدرانه سرزنشه،

1. Lawrence

2. Mann

3. Shucksmith

4. Chan & Koo

5. Baumrind

6. Simons & Conger

7. Jeynes

8. Harris & Goodall

9. Bugental & Grusec

مسئولیت پذیر، متکی به خود، دارای انگیزه پیشرفت و اهل مشارکت با همسالان خود هستند (لامبورن^۱ و همکاران، ۱۹۹۱). سبک مقتدرانه پیامدهای تحولی مثبت، بهزیستی روان‌شناختی، خودارزیابی مثبت، سطوح بالای حرمت خود و سازگاری و انگیزش درونی برای یادگیری را به دنبال دارد (کریپس و زیرومski^۲، ۲۰۰۹). سطوح فرزندپروری به خصوص صمیمیت با سازگاری بعدی نوجوانان و حرمت خود آنها مرتبط است (سیارانو^۳ و همکاران، ۲۰۰۸؛ بلوج تریکو^۴، ۲۰۰۸). پژوهش‌ها در مورد سبک‌های فرزندپروری موبید آن است که والدینی که از الگوهای سخت گیرانه استفاده می‌کنند، فرزندانی دارای مشکلات ارتباطی با همسالان و رفتارهای پرخاشگرانه خواهند داشت. در مقابل، والدینی که از سبک‌های گرم و پذیرنده استفاده می‌کنند، با مشکلات اجتماعی کمتری در فرزندان خود مواجه می‌شوند (ایزر^۵ و همکاران، ۲۰۰۵).

شوahد حاکی از رابطه مثبت معنادار بین حرمت خود و شادکامی است (ملکجاه^۶، ۲۰۰۴؛ آیاش-عبدو و آلامودین^۷، ۲۰۰۷). چن^۸ و همکاران (۲۰۰۶) در نمونه‌ای از دانشجویان چین دریافتند که حرمت خود پیش‌بینی کننده قوی بهزیستی و رضامندی زندگی است. در مطالعه چنگ و فورنهام (۲۰۰۴) حرمت خود و رابطه با والدین، نقش مهمی در پیش‌بینی مستقیم شادکامی داشتند. همچنین رابطه حرمت خود با افسردگی معکوس گزارش شده است.

نتایج پژوهش جوشن لو و رستگار (۱۳۸۶) نشان داد که حرمت خود نقش معناداری در پیش‌بینی بهزیستی سعادت گرا در هر دو جنس دختر و پسر ایفا می‌کند. همچنین مرادی و همکاران (۱۳۸۴) نیز در یک بررسی مروری بدین نتیجه دست یافتند که شادکامی با ابعاد

1. Lambourn
2. Cripps & Zyromski
3. Ciairano.
4. Bloch-Torrico
5. Eiser
6. Malekjah
7. Ayyash-Abdo & Alamuddin
8. Chen

شناختی، اجتماعی، هیجانی و جسمانی شخصیت رابطه دارد که در بعد عاطفی، شادکامی با ثبات هیجانی، حرمت خود و خودکارآمدی رابطه دارد.

بی تردید سبک فرزندپروری والدین تأثیرات چشمگیری بر تحول فرزندان دارد. دوره نوجوانی دوره‌ی رشدی بی نظری از زندگی است که فرد رادر حالت گذار از کودکی به جوانی و بزرگسالی قرار می‌دهد. این تجربه برای اولین بار با دوری از خانواده همراه است (آرنت^۱، ۲۰۰۰). برای بسیاری از نوجوانان، این تجربه با رفتن به دانشگاه توانم است و تا حدودی اعضای خانواده را دچار بی ثباتی می‌کند. با توجه به اینکه نوجوانی گذر از وابستگی به روابط مستقل با والدین است، سبک‌های فرزندپروری می‌توانند نقش مهم و منسجمی را در کمک به نوجوان برای مواجهه با این چالش بزرگ ایفا کند (مک کینی و رنک^۲، ۲۰۰۸). از سویی شرایط زندگی دانشجویی، فشارهای روحی را در افراد افزایش می‌دهد و این افزایش به خصوص در میان افراد جوان بیشتر مشهود است. ایده و افکار خودکشی نتیجه غمگینی و افسردگی است. برخی پژوهش‌ها به بررسی ارتباط سبک‌های فرزندپروری و حرمت خود با سلامت روان و اضطراب و افسردگی پرداخته‌اند. در ایران پژوهش‌ها در مورد رابطه سبک فرزندپروری و حرمت خود با شادکامی به ندرت انجام شده است و به تعیین سهم این عوامل در پیش بینی شادکامی پرداخته نشده است. با توجه به حرکت روان‌شناسی مثبت نگر در سال‌های اخیر در مورد نقش این متغیرها در شادکامی، نیاز به پژوهش هرچه بیشتر پیرامون شناسایی و تعیین سهم هر یک از عوامل مؤثر بر شادکامی دانشجویان از جنبه‌های گوناگون ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به مطالب ذکر شده و نقش متغیرهای نامبرده در شادکامی، هدف از انجام این پژوهش، تعیین سهم هر یک از متغیرهای حرمت خود و سبک‌های فرزندپروری در پیش بینی شادکامی دانشجویان بود

1. Arnett

2. Mckinney & Renk

روش

روش پژوهش حاضر همبستگی از نوع پیش‌بینی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه‌ی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه علامه طباطبائی تشکیل می‌دهند که در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ مشغول به تحصیل بودند. از کل جامعه ۳۵۰ دانشجو به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. بدین صورت که ابتدا از بین دانشکده‌های دانشگاه علامه طباطبائی به طور تصادفی سه دانشکده انتخاب شد. سپس از هر دانشکده به طور تصادفی ۴ کلاس در مقطع کارشناسی انتخاب و پس از هماهنگی‌های لازم با آموزش دانشکده و استاد مربوطه پرسشنامه‌ها در بین دانشجویان کلاس توزیع و پس از تکمیل جمع‌آوری شد. پس از بررسی پرسشنامه‌ها، پرسشنامه‌های ناقص کنار گذاشته شدند و در نهایت ۳۱۰ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از کل آزمودنی‌ها تعداد ۱۹۷ نفر (۶۳/۵ درصد) دختر و ۱۱۳ نفر (۳۶/۵ درصد) پسر بوده‌اند. دامنه سنی گروه نمونه ۱۸ الی ۲۵ سال با میانگین ۲۰/۱۳^۱ و انحراف استاندارد ۱/۴۹ بوده است.

ابزار پژوهش

۱- پرسشنامه‌ی شادکامی آکسفورد: پرسشنامه‌ی شادکامی آکسفورد نسخه بهبود یافته فهرست شادکامی آکسفورد و دارای ۲۹ سؤال است که توسط هیلز و آرگیل^۱ (۲۰۰۲) ساخته شده است. فورنهام و بروین^۲ (۱۹۹۰) آلفای ۱۰/۸۷ را با ۱۰۱ آزمودنی گزارش کرده است. فرانسیس^۳ و همکاران (۱۹۹۸) آلفای ۰/۹۲ و در یک بررسی میان فرهنگی در چهار کشور مختلف ضرائب ۰/۹۰، ۰/۸۹، ۰/۸۹، ۰/۸۹ را به دست آورده است.

در ایران پرسشنامه‌ی شادکامی آکسفورد توسط علی پور و نوربالا (۱۳۷۸) به فارسی ترجمه و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳، با روش دو نیمه کردن به روش اسپیرمن برآون مقدار

1. Hills & Argyle
2. Furnham & Brewin
3. Francis

۰/۹۲ و به روش گوتمن ۰/۹۱ گزارش شده است. در پژوهش حاضر از فرم ۲۹ سؤالی اصلاح شده استفاده شده است. در این فرم هر سؤال دارای طیف لیکرت ۶ درجه‌ای است که برای پاسخ‌های کاملاً مخالفم (نموده ۱) و کاملاً موافقم (نموده ۶) به دست می‌آید (هیلز و آرگیل، ۲۰۰۲). نجفی و همکاران (زیر چاپ) ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی بازآزمایی را به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۷۹ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ پرسشنامه‌ی شادکامی آکسفورد فرم ۲۹ سؤالی با ۳۱۰ نفر آزمودنی، برابر با ۰/۹۱ به دست آمد.

۲- مقیاس حرمت خود روزنبرگ^۱: این مقیاس شامل ۱۰ سؤال است. اعتبار واگرا و همگرای آن در بسیاری از تحقیقات مناسب و قابل قبول گزارش شده است (آرن^۲ و همکاران ۱۹۹۳؛ به نقل از جین^۳، ۲۰۰۱). در پژوهش مظلومی محمود آباد و همکاران (۱۳۸۵) پایایی ثبات درونی این مقیاس از طریق محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمده است. در پژوهش زاده محمدی و همکاران (۱۳۸۶) ضریب بازآزمایی برای کل مقیاس با فاصله‌ی زمانی یک، دو و سه هفته به ترتیب برابر با ۰/۷۷، ۰/۷۳ و ۰/۷۸ به دست آمده است. اعتبار همزمان این مقیاس با به کارگیری مقیاس عزت نفس کوپر اسمیت (۱۹۶۷) همبستگی مثبت معنی دار (۰/۶۱) و با اضطراب (۰/۴۳) و افسردگی (۰/۵۴) همبستگی منفی معنادار به دست آمده است (محمدی، ۱۳۸۴). در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ مقیاس حرمت خود روزنبرگ با ۳۱۰ نفر آزمودنی، برابر با ۰/۷۵ به دست آمد.

۳- پرسشنامه‌ی اقتدار والدین^۴ (PAQ): این پرسشنامه‌ی دارای ۳۰ سؤال است و به طور نظری بر سنج شناسی سبک فرزندپروری باوم ریند مبتنی است. هر سبک دارای ۱۰ سؤال و به صورت مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت است. ضرایب پایایی قابل قبولی توسط بوری^۵ (۱۹۹۱) برای این آزمون گزارش شده است. این ضرایب برای مادران قاطع ۰/۷۸، مادران مستبد ۰/۸۶ و

1. Rosenberg Self -Esteem Scale

2. Arn

3. Jin

4. Parental Authority Questionnaire

5. Buri

مادران سهل گیر ۰/۸۱ گزارش شده است. ضرایب پایایی مشابهی توسط بروزونسکی^۱ (۲۰۰۴) گزارش شده است (۰/۹۰ برای والدین قاطع، ۰/۸۹ برای والدین مستبد، ۰/۷۸ برای والدین سهل گیر). ضرایب ثبات درونی هر بعد از PAQ هم توسط بوری برای مادران سهل گیر ۰/۷۵، مادران مستبد ۰/۸۵، مادران قاطع ۰/۸۲، پدران سهل گیر ۰/۷۴، پدران مستبد ۰/۸۷ و پدران قاطع ۰/۸۵ به دست آمده است (به نقل از کلین^۲ ۲۰۰۵). در پژوهش حاضر فرم مادر ابتدا ترجمه شد و توسط یکی از اساتید زبان انگلیسی نواقص ترجمه رفع شد. به منظور روایی صوری از چند نفر از اساتید و متخصصین روان‌شناسی نیز نظرخواهی شد. بعد از نظرخواهی و رفع برخی از تفاوت‌های ایجاد شده، نسخه‌ی فارسی پرسشنامه برای اجرا تهیه شد. هم چنین ضرایب پایایی خرد مقیاس‌ها به روش همسانی درونی محاسبه و آلفای کرونباخ برای خرد مقیاس‌های سبک فرزندپروری سهل گیر، مستبد و قاطع با ۳۱۰ نفر آزمودنی به ترتیب برابر با ۰/۶۶، ۰/۷۱ و ۰/۶۶ به دست آمد.

یافته‌ها

به منظور بررسی رابطه حرمت خود و سبک‌های فرزندپروری با شادکامی از ضریب همبستگی پرسون استفاده شد. در جدول ۱ ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
۱-حرمت خود	۱				
۲-سبک فرزندپروری سهل‌گیر	۰/۱۵ *	۱			
۳-سبک فرزندپروری مستبد	-۰/۱۱	-۰/۴۲**	۱		
۴-سبک فرزندپروری مقتدر	۰/۲۸**	۰/۳۰**	-۰/۲۴ **	۱	
۵-شادکامی	۰/۶۸**	۰/۱۹**	-۰/۱۴*	۰/۴۶**	۱

* P<0/05

** P<0/01

1. Berzonsky
2. Klein

همانگونه که از جدول ۱ ملاحظه می شود، بین حرمت خود، سبک فرزندپروری مقترن و سبک فرزندپروری سهلگیر با شاد کامی رابطه مثبت معنادار و بین سبک فرزندپروری مستبد با شاد کامی رابطه منفی معنادار وجود دارد.

به منظور تعیین نقش حرمت خود و سبک های فرزندپروری در پیش بینی شاد کامی از رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش بینی شاد کامی

سطح معناداری	t	β	B	سطح معناداری	F	خطای استاندارد برآورده	R^2	R	متغیر	گام
۰/۰۰۱	۱۴/۶۷	۰/۶۸	۶/۱۹	۰/۰۰۱	۲۱۵/۲۹	۱۵/۷۴	۰/۴۶	۰/۶۸	حرمت خود	گام اول
۰/۰۰۱	۱۳/۴	۰/۶۰	۵/۴۶						حرمت خود	گام
۰/۰۰۱	۶/۵۰	۰/۲۹	۱/۲۴		۰/۰۰۱	۱۴۶/۲۹	۱۴/۶۰	۰/۵۴	سبک فرزندپروری مقترن	گام دوم

چنانچه از جدول ۲ مشاهده می شود در گام اول متغیر حرمت خود وارد معادله رگرسیون شده است. این متغیر به تنها ۴۶ درصد از واریانس شاد کامی را تبیین می کند. در گام دوم متغیر سبک فرزندپروری مقترن نیز وارد معادله شده است. با ورود این متغیر ضریب تعیین افزایش یافته است و این دو متغیر در مجموع ۵۴ درصد از واریانس شاد کامی را تبیین می کنند.

به منظور مقایسه نمرات شاد کامی در بین دختران و پسران از آزمون t مستقل استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون t برای مقایسه شادکامی بین دو جنس

متغیر	جنسيت	ميانگين	انحراف استاندارد	t	df	سطح معنی داری
شادکامی	پسر	۱/۲۰	۲۱	۱/۱۶	۳۰۸	۰/۲۴۷
	دختر	۱/۱۷	۲۱/۶۰			

چنانچه از جدول مشاهده می‌شود بین دختران و پسران در نمره شادکامی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد $[t = 1/16, P > 0.05]$.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین سهم حرمت خود و سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی شادکامی در دانشجویان بود. یافته‌ها نشان داد که بین متغیرهای حرمت خود، سبک‌های فرزندپروری مقتدر و سهل‌گیر با شادکامی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. هم چنین بین سبک فرزندپروری مستبد و شادکامی رابطه منفی معنادار مشاهده شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که حرمت خود و سبک فرزندپروری مقتدر نقش معنی‌داری در پیش‌بینی شادکامی دارند. این نتایج با یافته‌های فورنهام و چنگ (۲۰۰۰)، چنگ و فورنهام (۲۰۰۴) و بلوج-تریکو (۲۰۰۸) همخوانی دارد. چان و کو (۲۰۰۹) و کریپس و زیروم‌مسکی (۲۰۰۹) نیز در تحقیقات خود دریافتند که نوع فرزندپروری با طیف وسیعی از رفتارها از جمله بهزیستی ذهنی و بهزیستی روان‌شناختی رابطه دارد. در پژوهش حاضر بهترین پیامد یعنی شادکامی مربوط به نوجوانان خانواده‌هایی است که سبک فرزندپروری مادر مقتدرانه بوده است. سبک مقتدرانه نتیجه محبت و کنترل به صورت توامان است و شاید علت پیامدهای مثبت سبک مقتدرانه این باشد که فرزندان، کنترل بالا همراه با محبت بالا را نشانه‌ی اهمیت و رسیدگی والدین می‌دانند (سیمونس و کانجر، ۲۰۰۷). سبک فرزندپروری سهل‌گیر، حاصل محبت بالا و کنترل پایین است که به نوعی پذیرش بی قید و شرط نوجوان از طرف والدین است. ضمن این که کنترل پایین از سوی والدین بهترین هدیه به نوجوانی است که در جستجو با استقلال است. در

خانواده هایی که والدین بی اعتماد هستند فرزندان بالاترین میزان اضطراب را تجربه می کنند. این پیامد ممکن است به این دلیل باشد که نوجوان بدون دریافت محبت والدین و اعمال کنترل از سوی خانواده، احساس رهاشدگی و معلق بودن می کند و پناهگاه امنی برای زمان های بحرانی نمی یابد. بنابراین، اضطراب بیشتری را تجربه می کند. اثرات منفی بی اعتمادی مادر روی پیامدهای نوجوانی بیشتر است. این امر در پژوهش حاضر نیز بیانگر نقش انکار ناپذیر مادران در جامعه و فرهنگ ایرانی است. هر گاه نوجوانان از طرف والدین محبت و توجه کافی را دریافت نکنند و با بی اعتمادی یک یا هر دو والد روبرو شوند احساس ارزشمند بودن خود را از دست می دهند و این امر پیش بینی کننده مهمی برای افکار نامیدانه، عدم رضایت و افسردگی است. بی اعتمادی و رفتارهای نادرست والدین نتیجه محبت و کنترل پایین و در نتیجه بیانگر بی ارزشی و دوست داشتنی نبودن نوجوان است و این موضوع عامل خطرسازی از سوی والدین است که فرزندان را در معرض نامیدی، افسردگی، اضطراب و بسیاری از پیامدهای منفی دیگر قرار می دهد. اما در نقطه مقابل، سبک فرزند پروری مقتدرانه محبت و کنترل را در سطح بالای فراهم می کند و در نتیجه پیامدهای مثبت از جمله شاد کامی را برای نوجوان به همراه دارد. به کار بردن سبک مناسب توسط یکی از والدین می تواند تا حدی از پیامدهای منفی بکاهد که با توجه به نتایج به دست آمده، اثر سبک فرزندپروری مادر قوی است و به نظر می رسد در جامعه ایرانی، مادران نقش اول را در فرزندپروری بازی می کنند. البته اثرات نقش فرزندپروری پدر و ترکیب پدر و مادر نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

این یافته که حرمت خود نقش مهمی در شاد کامی دارد با نتایج پژوهش های انجام شده توسط چنگ و فورنهام (۲۰۰۳)، آیاش - عبدو و آلامودین (۲۰۰۷)، ملکجاه (۲۰۰۴)، چن و همکاران (۲۰۰۶)، مرادی و همکاران (۱۳۸۴) همسو است. در تبیین این یافته می توان گفت که حرمت خود عقیده ای است که فرد درباره مجموعه ای توانایی ها، ویژگی ها و شایستگی های خود دارد. کسی که حرمت خود بالا دارد هرگز اجازه نمی دهد که احساس اضطراب یا نبود احساس امنیت، او را آزرده کند. افراد دارای حرمت خود پایین از افسردگی و حس بیهودگی

رنج می‌برند و بهزیستی پایینی دارند (مروک^۱، ۲۰۰۶). در مقابل افراد با حرمت خود بالا در انجام تکالیف موفق‌تر و مستقل‌تر هستند و از یک نوع هدایت خود استفاده می‌کنند و در نتیجه احساس شایستگی و رضامندی دارند (هارت و وايت سل^۲، ۲۰۰۳). افراد با حرمت خود بالا روانی، تغییرات و دگرگونی‌های زندگی را فرصتی برای پیشرفت شخصی تلقی می‌کنند نه به عنوان تهدید برای شکست، آن‌ها به ارزش و اهمیت خود باور دارند و کمتر با رویدادهای منفی زندگی شان مبارزه می‌کنند و در صورت عدم توانایی در حل مسئله قدرت سازگاری بالایی دارند.

تحقیقات نشان می‌دهد بین حرمت خود و سلامت روان‌شناختی رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد. هرچه ارزیابی فرد از خود مثبت‌تر باشد، میزان رضایت‌مندی او از زندگی بالاتر رفته و عواطف مثبت بیشتری در او ایجاد می‌شود. به عبارتی حرمت خود با رضایت افراد از زندگی و عاطفه‌ی مثبت و شادکامی رابطه‌ی مثبت و معنادار دارد. با دقت به این نکته که عاطفه‌ی مثبت و شادکامی، از مؤلفه‌های اصلی سلامت روان‌شناختی در افراد هستند، می‌توان رابطه‌ی مثبت و معنادار بین دو متغیر حرمت خود و شادکامی را تبیین کرد. از آنجا که حرمت خود به نگرش کلی فرد نسبت به خود، در همه‌ی زمینه‌ها اشاره دارد، هسته‌ی اصلی سلامت روان‌شناختی افراد است. علاوه بر آن افراد با حرمت خود بالا در برخورد با واقعی استرس‌زا احساس کنترل بیشتری کرده، توانایی خود را مثبت ارزیابی و بهتر می‌توانند در چنین موقعیت‌هایی راهبردهای مسئله مدار را انتخاب کنند و در موقعیت‌های پر فشار مؤثرتر عمل می‌کنند. حرمت خود انعطاف‌پذیری در مقابل تغییرات را افزایش می‌دهد و نگرش‌های مثبت در جهت پیشرفت احساس خودکفایتی را تقویت می‌کند (ویچروسکی^۳، ۲۰۰۰ به نقل از حقیقی و همکاران، ۱۳۸۵).

1. Mruk

2. Harter& Whitesell

3. Wichroski

پژوهش حاضر محدود به دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی بود و در تعمیم یافته‌ها باید احتیاط شود. بهتر است در سایر دانشجویان و دانش آموزان دبیرستانی نیز چنین پژوهشی و با در نظر گرفتن متغیرهای دیگر انجام شود. در پژوهش حاضر صرفاً سبک فرزند پروری مادر بررسی شده بود. با توجه به این که پدران و مادران در گستره وسیعی از ویژگی‌های فرزند پروری متفاوتند. بهتر است در پژوهش‌های بعدی بر سبک فرزند پروری پدر و تعامل روش‌های فرزند پروری پدر و مادر و اثرات این تعامل بر فرزندان تمرکز شود. همچنین نقش متغیرهای دیگر نیز در شادکامی مورد بررسی قرار گیرد.

منابع فارسی

- جوشن لو، محسن و رستگار، پرویز. (۱۳۸۶). پنج رگه اصلی شخصیت و حرمت خود به عنوان پیش‌بین‌های بهزیستی فضیلت گرا. *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، ۴(۱۳): ۲۴-۱۳.
- حقيقی، جمال؛ موسوی، محمد مهرابی زاده هنرمند، مهناز؛ بشلیده، کیومرث. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روانی و عزت نفس دانش آموزان دختر سال اول مقاطع متوسطه، *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۳(۱): ۷۸-۶۱.
- زاده‌محمدی، علی؛ عابدی، علیرضا و خانجانی، مهدی. (۱۳۸۶). بهبود حرمت خود و خودکارآمدی در نوجوانان، *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، سال ۴، شماره ۱۵، ۲۵۲-۲۴۵.
- علی پور، احمد و نوربالا، احمد علی. (۱۳۷۸). بررسی مقدماتی پایابی و روایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های تهران، *مجله اندیشه و رفتار*، سال پنجم، شماره ۱ و ۲، ۶۵-۵۵.
- محمدی، نوراله. (۱۳۸۴). بررسی مقدماتی اعتبار و قابلیت اعتماد مقیاس حرمت خود روزنبرگ. *مجله روان‌شناسان ایرانی*، ۳۲، سال اول، شماره ۴، ۲۲۰-۳۱۳.

مظلومی محمودآباد، سعید؛ مهری، علی و مروتی شریف‌آباد، محمد علی. (۱۳۸۵). ارتباط بین اعتمادبه نفس و خودکارآمدی با رفتارهای بهداشتی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد. *مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی*, ۳(۲)، ۱۱۷-۱۱۱.

نجفی، محمود؛ دهشیری، غلامرضا؛ دبیری، سولماز و شیخی، منصوره. (زیر چاپ). خصوصیات روان‌سنگی نسخه فارسی پرسشنامه شادکامی‌آکسفورد در دانشجویان. *روان‌شناسی تربیتی*.

مرادی، مریم؛ جعفری، ابراهیم و عابدی، محمدرضا. (۱۳۸۴). شادمانی و شخصیت: بررسی مروری. *تازه‌های علوم شناختی*، سال ۷، شماره ۲، ۷۱-۶۰.

منابع انگلیسی

- Arnett, J. J. (2000). Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *American Psychologist*, 55, 469-480
- Ayyash-Abdo, H., & Alamuddin, R. (2007). Predictors of subjective well being among college youth in lebanon. *The Journal of social psychology*, 147(3)265-284.
- Berzonsky, M. D. (2004). Identity style, parental authority, and identity commitment. *Journal of Youth and Adolescence*, 33, 213-220
- Bloch-Torrico, G. (2008). Changes in Parenting To or From Changes in Adolescent Well-being? A Transactional Perspective. Dissertation, Concordia University..
- Bugental, D. B., & Grusec, J. E. (2006). *Socialization processes*. In W. Damon & R. M. Lerner (Eds. In chief) & N. Eisenberg, (Vol. Ed.), *Handbook of child psychology: Vol. 3. Social Emotional and Personality Development* (6th ed., pp. 366–428). New York: John Wiley and Sons.
- Buri, J. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57, 110–119
- Buss, D. M. (2000). The evolution of happiness. *American Psychologist*, 55 (1), 15-23.
- Cha, K. H. (2003). Subjective well-being among college students. *Social Indicators Research*, 62-63, 455–477.
- Chan, T, & Koo, A. (2009). *Parenting Style and Youth Outcomes in the UK*,A paper were presented at the conference of the British Sociological Association, and a research seminar at the University of Oxford.
- Chen, X., Cheung, F., Bond, M and Leung, J. (2006). Going beyond self-esteem to predict life satisfaction: The Chinese case. *Asian Journal of Social Psychology*, 9, 24–35
- Cheng, H. & Furnham, A. (2003). Personality, self-esteem, and demographic predictions of happiness and depression, *Personality and Individual Differences* 34: 921–942
- Cheng, H. & Furnham, A. (2004). Perceived Parental Rearing Style, Self-Esteem and Self-Criticism as Predictors of Happiness. *Journal of happiness studies*. 5(1)1-21.

- Ciairano, S., Kliewer, W., Bonino, S., & Bosma, H.A. (2008). Parenting and adolescent well-being in two European countries. *Adolescence*, 43(169): 99-117
- Cripps, K & Zyromski, B. (2009). Adolescents' Psychological Well-Being and Perceived Parental Involvement: Implications for Parental Involvement in Middle Schools. *Research in Middle Level Education Online* 33(4): 1-13.
- Eiser, C., Eiser, J.R., Mayhew, A.G. & Gibson, A.T. (2005). parenting the premature infant: Balancing vulnerability and quality of life, *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 46, 11, 1169-1177.
- Francis, L. J., Brown, L. B., Lester, D., & Philipchalk, R. (1998). Happiness as stable extraversion: Across-cultural examination of the reliability and validity of the Oxford happiness inventory among students in the UK, USA, Australia, and Canada. *Personality and Individual Differences*, 24, 167–171.
- Furnham, A., & Brewin, C. J. (1990). Personality and happiness. *Personality and Individual Differences*, 11, 1093–1096.
- Furnham, A., & Cheng, H. (1999). Personality as predictors of mental health and happiness in the East and West. *Personality and Individual Differences*, 27, 395–403.
- Furnham, A., & Cheng, H. (2000). Perceived parental behaviour, self-esteem, and happiness. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 35, 463–470.
- Harris, A., & Goodall, J. (2008). Do parents know they matter? Engaging all parents in learning. *Educational Research*, 50, 277–289.
- Harter, S., & Whitesell, N. R. (2003). Situation, whereas others report changes in self-worth. *Journal social influence process*, (pp. 50-59). Chicago: Aldine- Atherton.
- Hills, P & Argyle, M. (2002). The Oxford Happiness Questionnaire: a compact scale for the measurement of psychological well-being. *Personality and Individual Differences*. 33: 1073–1082
- Jeynes, W. H. (2007). The relationship between parental involvement and urban secondary school student academic achievement: A meta-analysis. *Urban Education*, 42, 82–110.
- Jin, B. (2001). *Social psychological determination of life satisfaction in older adults*. Unpublished Dissertation, Indiana university.
- Klein, H., K. (2005). *Investigation of variables influencing college students' marital attitudes and fear of intimacy*; Unpublished Dissertation PhD, Ball state university, Muncie, Indiana.
- Lambourn, S. D., Mounts, N. S., Steinberg, L., & Dornbusch, S. M. (1991). Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Development*, 62, 1049–1065
- Lawrence, J. Ashford K, Dent, P. (2006). Gender differences in coping strategies of undergraduate students and their impact on self-esteem and attainment. *Learning in Higher Education*. 7(3):273-81
- Maalekjah, R. (2004). *The study of relationship of happiness the self esteem among college students*. Unpublish thesis. University of british colombia

- Mann, Michal, Clemens M. H. Hosman, Herman P. Schaalma, and Nanne K. de Vries (2004), "Self-Esteem in a Broad-Spectrum Approach for Mental Health Promotion," *Health Education Research*, 19 (4), 357-72.
- McKinney, C, Renk, K (2008). Differential parenting between mothers and fathers: Implications for late adolescents. *Journal of Family Issues*. 29:806-27.
- Mruk, C. (2006). Self-esteem research, theory, and practice: Toward a positive psychology of self esteem (3rd ed). New York: Springer.
- Shucksmith, J., Hendry, L., B. (1995). Glendinning A. Models of parenting: Implications for adolescent wellbeing within different types of family context. *Journal of Adolescence*.18(3): 253-270
- Simons, L., G, Conger, R., D. (2007). Linking mother-father differences in parenting to a typology of family parenting styles and adolescent outcomes. *Journal of Family Issues*, 28(2), 212-241.
- Zhang, L., W. (2005). Prediction of Chinese life satisfaction: Contribution of collective self-esteem. *International Journal of Psychology*, 40 (3), 189–200